



## استراتژی روحانیت شیعه در تقابل با تفرقه مذهبی

پدیدآورده (ها) : کامران، حسن

میان رشته ای :: پیام :: بهار 1386 - شماره 82

از 146 تا 160

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/341791>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## ضرورت وحدت

برای تبیین هر چه بیشتر ضرورت وحدت امت اسلامی، لازم است ترسیم از جغرافیای مذهبی و پراکندگی جمعیتی تسنن و تشیع در ایران و جهان داشته باشیم. اهل سنت ایران فقط از دو مذهب شافعی و حنفی هستند و ما، در ایران تقریباً حنبلی و مالکی نداریم.

مناطق مسکونی پیروان مذهب شافعی، به ترتیب استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و هرمزگان است. بخش اندکی از آنها نیز در جنوب فارس، شهرهای لار، لامرد یا طالش زندگی می‌کنند.

مناطق مسکونی پیروان مذهب حنفی، به ترتیب استان‌های سیستان و بلوچستان، گلستان و خراسان رضوی، شمالی و جنوبی است.

در جهان نیز، شرق و شمال ایران، یعنی آسیای میانه، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، روسیه و تاتارستان، حنفی مذهب هستند.

قسمتی از غرب ایران یعنی بخشی از وسط عراق، قسمتی از سوریه و ترکیه، تافلسطین حنفی مذهب هستند. اما قسمت شمال غربی ایران، شمال عراق، کردهای عراق، ترکیه و سوریه تا شمال غرب، چین و اینگوش و بخشی از سوریه و مصر شافعی هستند.

همچنین در شرق دور یعنی مالزی، اندونزی، بیش از ۲۰۰ میلیون نفر شافعی مذهب زندگی می‌کنند. و بخشی از شافعی‌ها نیز در آفریقا زندگی می‌کنند.

مالکی مذهب‌ها غالباً در آفریقا کثرت جمعیتی دارند.

جایگاه اصلی پیروان مذهب احمد ابن حنبل در عربستان و بعضی از کشورهای خلیج فارس است. البته کشورهای خلیج آمیزه‌ای از مذاهب مختلف هستند، در عمان مذهب ابازیه رواج دارد که از رسوبات خوارج هستند که هم اکنون تحولات زیادی در عقاید آنها رخ داده، بطوریکه هم اکنون از خوارج تبری می‌جویند و مفتی آنها آقای خلیلی است که عضو مجمع جهانی تقریب بین مذاهب است.

درصد جمعیتی شیعیان آذربایجان، بیش‌تر از درصد جمعیتی شیعیان ایران است. نزدیک ۹۰٪ مردم آذربایجان شیعه هستند.

در بحرین جمعیت اصلی مسلمانان را شیعیان تشکیل می‌دهند. ۵۵٪ مسلمانان عراق از

شیعیان هستند. مردم یمن، لبنان، افغانستان و پاکستان با درصدهای متفاوتی از شیعیان هستند. در حدود  $\frac{1}{5}$  از جمعیت یک میلیارد و نیم مسلمانان جهان را شیعیان تشکیل می دهند و ما باید نحوه تعامل خود با  $\frac{4}{5}$  دیگر را دقیقاً مشخص کنیم.

جمعیت عظیم مسلمانان و پراکندگی جمعیتی آنان در حساس ترین نقاط تاکتیکی و استراتژیکی دنیا و تهدیدهایی که کیان و هویت اسلام را به چالش کشیده است، هر چه بیشتر، ضرورت وحدت و انسجام اسلامی را ایجاب می کند.

حضرت امام (ره) رسالت علماء اسلامی را در این زمینه بسیار حساس و مغتنم می شمارند. «بر علمای دین که وارثان پیامبر هستند، فرض و واجب است که موقعیت حساس جهان اسلام و نقشه های شوم و خطرناک دشمنان را دریابند، با عوامل تفرقه و اختلاف به طور جدی مبارزه نمایند، نقشه های شوم دشمنان را برای مسلمین تشریح کنند و همه آنها را برای دفاع از اسلام و مبارزه با شرک و استکبار جهانی بسیج نمایند.

ای علماء شما منادیان وحدت باشید و ملت های پراکنده را به سوی یک هدف، متحد سازید. ارزشهای فراموش شده اسلام مانند: جهاد، دفاع، وجوب امر به معروف و نهی از منکر و وجوب مبارزه با ظلم و ستم و گسترش عدل اجتماعی، ایثار و شهادت را در بین مردم بالاخص جوانان احیا کنید و همه را به سوی یک هدف، یعنی دفاع از استقلال و عظمت اسلامی بسیج نمایید».

امام با اشاره به تاریخ صدر اسلام و این که پیامبر اکرم (ص) در بین مسلمانان «عقد اخوت» برقرار کرد و آنان براساس آیه «انما المؤمنون اخوة» (حجرات: ۱۰) با یکدیگر برادر شدند و نیز با اشاره به روایاتی مثل «تواصلوا و تباروا و تراحموا و كونوا اخوة ابراراً كما امرکم الله عزوجل»<sup>۱</sup> چنین استنباط می کنند:

«مسلمین مأمورند به دوستی و مواصت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت، و معلوم است آنچه موجب ازدیاد این معانی شود، محبوب و مرغوب است و آنچه این عقد مواصت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد، مبعوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ اوست».

حضرت امام وحدت را «عامل قدرت» و تفرقه را موجب «سستی پایه دیانت» تلقی کرده و هشدار می دهد که تفرقه موجود در بین کشورهای مسلمان «یا از خیانت سران ممالک اسلامی و یا از جهل و بی اطلاعی آنان» است.

امام خمینی (ره) با عنایت به آیه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳) می‌فرماید:

«در این آیه، فقط امر به اجتماع نیست. امر این است که همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید. راه حق باشد، انبیا نیامده‌اند که مردم را در امور با هم مجتمع کنند، انبیا آمده‌اند که همه را در راه حق مجتمع کنند.»

امام راحل (ره)، وحدت را به علت حفظ «مصالح اهم» واجب می‌داند و اختلاف را «گناهی نابخشودنی» می‌شمارند.

مقام معظم رهبری نیز به بیماری خطرناک تفرقه و اختلاف که با طراحی دشمنان، در حال تزیق به پیکره امت اسلامی است اشاره کرده و فرمودند: در مقابل چنین توطئه‌ای نباید فقط به شعار وحدت اسلامی بسنده کرد بلکه باید با اقدامات عملی زمینه وحدت بیش از پیش را در جهان اسلام به وجود آورد.

ایشان مشکلات و مصائب دهها ساله دنیای اسلام از جمله فلسطین و عراق را ناشی از وجود اختلاف، میان مسلمانان دانستند و خاطر نشان کردند: باید با تهیه منشور عملی وحدت که به تأیید همه روشنفکران، علما و نخبگان سیاسی دلسوز دنیای اسلام رسیده باشد، زمینه عملی وحدت را فراهم کرد.

ایشان افزودند: امروز امت اسلامی در مسائل مهم خود تحت فشار آمریکا و همفکرانش قرار دارد و تنها راه‌هایی از این فشار و رسیدن به وحدت عملی، تسمک جمعی مسلمانان به ریسمان الهی و اعلام انزجار از رژیم ایالات متحده آمریکا به عنوان طاغوت اعظم است. معظم له در بیانات خود در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی علیه آلف التحية و الثناء فرمودند:

این شعاری که ما امسال مطرح کردیم - یعنی اتحاد ملی و انسجام اسلامی - را رعایت کنید. اتحاد ملی، یعنی یک‌پارچگی ملت ایران. انسجام اسلامی، یعنی ملت‌های مسلمان با هم همراه باشند. ملت ایران رابطه خود را با ملت‌های اسلامی محکمتر کند. ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم. نباید خودمان را سرگرم فروغی بکنیم که مورد اختلاف است.

## لوازم وحدت

حضرت امام (قدس سره الشریف) به همان اندازه که به ضرورت و اهمیت وحدت سفارش کرده است بر توجه به لوازم آن نیز تأکید داشت و معتقد بود که اتحاد بدون تحقق زمینه‌ها و راهبری جامعه بدان سمت شکل نمی‌گیرد و یا پایدار نمی‌ماند.

بطور اجمال می‌توان موارد زیر را به عنوان لوازم و عواملی که امام به عنوان پیش شرط‌های تحقق وحدت مد نظر داشت و بر همین مبنا نیز جامعه را هدایت می‌کرد، برشمرد.

۱. اهتمام بیش از پیش به خودسازی و تعمیق اخلاق و ارزشهای معنوی در زندگی خود و جامعه.

۲. باور داشت و تعمیم سعه صدر و پذیرش و تحمل اختلاف سلیقه‌ها و دفاع از آزادی اندیشه و حمایت از تشکلهای سیاسی و فرهنگی‌ای که در اصول و مبانی مورد اعتقاد امت و جامعه اسلامی، اتفاق نظر دارند.

۳. هوشیاری و توجه طرفین وحدت نسبت به نقش خناسان و وسوسه‌انگیزان داخلی و استعمارگران خارجی و تذکر دائمی به کارگزاران و عموم مردم در همین رابطه.

۴. حفظ مواضع اصولی و دفاع از معتقدات و ارزشهای منطقی غیر قابل خدشه در عین احترام و توجه به وحدت فراگیر. *مکتب تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی*

۵. تلاش همه جانبه برای یافتن نقاط مشترک بیشتر و کاستن از اختلافات آراء در مبانی و اصول، صرفاً از طریق مباحث فقهی در مجامع علمی و گسترش روح مباحثه و مناظره و پرهیز جدی از به میان کشیدن پای عوام در اختلافات فکری و فرهنگی زیرا وحدت و وفاق تنها از مسیر احتجاجات علمی و روشهای پسندیده عقلانی و شرعی قابل حصول می‌باشد.

۶. احیای فرهنگ توحیدی و وحدت‌گرایی در جوامع اسلامی و احیای سمبلیها، عوامل و مظاهر وحدت، نظیر: بازایابی فلسفه و روح واقعی کنگره عظیم جهانی حج، نماز جمعه، نماز جماعت، روح تعاون و اهتمام به امر مسلمین، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه همگانی و شعائری از این قبیل.

۷. آگاهی بخشیدن به آحاد امت اسلامی برای دریافت تصویری روشن از ابعاد تمدن گذشته جهان اسلام و علل سقوط و انحطاط آن.

۸. جهاد و تلاش برای فراگیر شدن نهضت فرهنگی جهان اسلام براساس ترویج روحیه خودباوری و نفی غربزدگی حاکم بر اغلب جوامع اسلامی.

۹. شناسایی و معرفی دشمنان اصلی و جلوگیری از دشمن تراشیهای فشنل کننده.

۱۰. ترویج و تبلیغ فرهنگ جهاد و شهادت طلبی برای تضمین موفقیت پیشگامان مبارزه با دشمنان و وحدت.

۱۱. مقابله با خرافه پرستی و زدودن پیرایه های تفرقه انگیزی که به نام آداب و رسوم دینی و مذهبی از سوی مغرضان و ناآگاهان به مرور زمان در فرهنگ سنتی ملتها و قشرهای جوامع اسلامی ریشه دوانده است، و کوشش برای کاهش تعصب های کورکورانه و عوامانه.

۱۲. تلاش برای یکسان سازی قول و فعل منادیان و وحدت.

یکسان سازی، بدان حد که وقتی از ناحیه مصلحان و رهبران جامعه، سفارشی بر وحدت، می رسد، آحاد جامعه حتی اگر این سفارش را مغایر با آداب و رسوم سنتی خویش ببینند، آن را عین مصلحت خود بدانند و بدان عمل کنند. نظیر آنچه که در دوران پُر فراز و نشیب نهضت امام قدس سره الشریف، صدها بار شاهد بودیم که چگونه جامعه اسلامی با درکی روشن از لوازمی که گفته شد، در مقابل ارزشهای معنوی فراموش شده خویش حساس شد و جانانه به احیاء آنها پرداخت. حج را ابراهیمی نمود، نمازهای تعطیل و متروک را به عنوان کانون تجمع هفتگی مسلمین احیاء کرد، دفاع از حقوق مظلومین فلسطین را به عنوان کانون اتحاد مسلمین در مقابله با توسعه طلبی آمریکا و رژیم صهیونیستی، مورد حمایت قرار داد، عشق مقدس و فراگیر امت اسلامی را نسبت به ساحت رسول گرامی اسلام در ماجرای توطئه کتاب آیات شیطانی به نمایش گذاشت و این واقعه را به صحنه ای از اتحاد امت در برابر دشمنان دین خدا مبدل ساخت و موجی از بیداری در پهنه بزرگ جهان اسلام پدید آورد.

### پیشگامی روحانیت در ایجاد وحدت

#### سید جمال الدین اسدآبادی

یکی از چهره های شاخص مصلحان و وحدت طلب امت اسلامی، سید جمال الدین اسدآبادی است وی به همراه شاگردش «شیخ محمد عبده» وحدت اسلامی را از مهمترین اهداف

آرمانی خود می‌دانست و در این راه تلاش و کوشش فراوانی به عمل آورد، در این راستا وی وطن خاصی برای خویش انتخاب نکرد و در طول عمر مبارزاتی خود به کشورهای متعدد سفر نمود و سکن‌گزید.

استراتژی سید جمال‌الدین اسدآبادی دارای ویژگیها و عناصری خاص بود که در اینجا به اهم آن می‌پردازیم:

**عنصر اول:** هدف اصلی سید جمال، پرداختن به وحدت سیاسی بود. البته او به وحدت فرهنگی هم می‌اندیشید ولی عمدتاً به وحدت سیاسی می‌پرداخت چون استعمار سعی داشت بین مسلمانان تفرقه سیاسی ایجاد کند و کشورها را تجزیه کرده بود. از این رو سید جمال سعی در وحدت سیاسی داشت.

**عنصر دوم:** نادیده انگاری تغییر مذهبی و عمل در این چارچوب بود، تبعاً مذهب شیعه با مذاهب اهل سنت، متغایر است از حیث مرزهای فکری و عقیدتی، تاریخی اما سید جمال، این تغایر را نادیده انگاشت البته تغایر را نفی نکرد ولی با وجود اینکه خودش شیعه بود، تغایر انگاری کرد یعنی مرزهای تغایر را پررنگ نکرد و عملاً با اهل سنت وحدت کرد و به سمت اتحاد اسلامی حرکت می‌کرد.

**عنصر سوم:** بیداری اسلامی در برابر غرب و استعمار بود. سید جمال به هر کشوری مسافرت می‌نمود و بدون اینکه ترسی از هیئت حاکمه به خود راه دهد به بیداری ملتها در برابر غرب و استعمار می‌پرداخت.

**عنصر چهارم:** اعاده مجد و عظمت اسلام بود.

این چهار عنصر استراتژی سید جمال بود که برای ایجاد وحدت اسلامی به کار می‌برد و موفقیت ایشان هم در سطح بسیار بالایی بود. چون بعد از سید جمال آنچنان فضای اسلام، خصوصاً اهل سنت، متحول و متغیر شد که ادبیات و وحدت و اتحاد شکل گرفت. بعد از سید جمال گروههای وحدت‌گرای متعددی بوجود آمدند که عنوان اتحاد اسلامی را یدک می‌کشیدند.

هنوز جهان اسلام و به ویژه اهل سنت بر سر سفره کوشش‌های سید جمال نشسته‌اند و سخن از بیداری اسلامی متأثر از سید جمال و تلاش‌های اوست.

## تأسیس دارالتقريب بين المذاهب الاسلام

در سالهای بعد از جنگ جهانی اول و دوم، پس از اشغال فلسطین و شکست اعراب از اسرائیل، بیم تسلط اسرائیل بر کشورهای اسلامی شدت گرفت؛ از این رو اندیشه تقرب بین مذاهب به عنوان یک راه کار عملی، برای مقابله با اسرائیل از طرف شخصیت‌هایی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده و بعضی از طلاب جامع الازهر مصر که خود، در جنگ با اسرائیل شرکت کرده بودند مطرح و سرانجام در سال ۱۳۳۵ دارالتقريب بين المذاهب الاسلامی تأسیس شد و مورد حمایت آیه‌الله بروجردی از ایران، آیه‌الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء از عراق و آیه‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین از لبنان قرار گرفت.

آیت‌الله بروجردی با درک صحیح از اسلام و شرایط حساس زمانی، با اهتمام ویژه‌ای به وحدت و تقرب مذاهب اسلامی می‌نگریست و سعی وافر داشت تا در حوزه زعامت وی نقطه اختلافی آغاز نگردد.

آیت‌الله بروجردی، سخت خود را مقید به دفاع از تشیع در مقابل اتهامات دیگران می‌دیدند. بنابر روایت آیت‌الله صافی، در یکی از مجلات الازهر، استخاره در مکتب اهل بیت را از قبیل استقسام بالازلام که جزء فرهنگ کفار بود شمرده بودند. آیت‌الله بروجردی به ایشان مأموریت دادند که پاسخ این اتهام را بدهند. آیه‌الله صافی مقاله‌ای علمی و مفصل در این که استقسام بالازلام از آثار جهل و شرک و بت پرستی است ولی استخاره از آثار ایمان و توحید است، نوشتند و ارسال کردند.

سرانجام، تلاش آیت‌الله بروجردی در نزدیکی بین مذاهب و معرفی مکتب اهل بیت به نتیجه رسید و شیخ محمد شلتوت رئیس الازهر و مفتی اعظم مصر در ۱۳۳۷/۷/۱۷ مطابق با ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۷۸، تشیع را به رسمیت شناخت و فتوا داد که:

«آیین اسلام هیچ یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتب معینی ننموده، بلکه هر مسلمانی می‌تواند از مکتبی که به طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتب مخصوص به خود مدون گشته پیروی نماید. و کسی که مقلد یکی از این مکتب‌های چهارگانه می‌باشد می‌تواند به مکتب دیگری منتقل شود. مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنی‌عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتب‌های اهل سنت جایز می‌باشد.



بنابراین سزوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند، دوری گزینند، زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود بلکه همه صاحبان مذهب مجتهد بوده و اجتهادشان مورد قبول درگاه باری تعالی است و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند، می‌توانند از هر مکتبی که مورد نظرشان است تقلید نموده و از احکام فقه آن پیروی نمایند و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست. محمود شلتوت

استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در باب عشق و علاقه آیت‌الله بروجردی (ره) به وحدت مسلمانان می‌گوید: «یکی از مزایای معظم له توجه و علاقه فراوانی بود که به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی داشت. این مرد چون با تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود و می‌دانست که سیاست بعضی از حکام در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است و همچنین توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست‌های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را خواهند برد و نیز می‌دانست که بُعد و دوری شیعه از سایر فرق سبب شده که آنها شیعه را نشناسند و درباره آنها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند، به این جهات، بسیار علاقمند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آن طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند معرفی شود.

پس از طرح اندیشه تقریب و تأسیس دارالتقریب، آیه‌الله بروجردی تا حد ممکن با این فکر و مؤسسه کمک و همکاری کرد. برای اولین بار بعد از صدها سال جدایی، بین زعیم روحانی شیعه و مفتی روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سه سال شیخ محمود شلتوت مفتی مصر و رئیس جامع الازهر روابط دوستانه‌ای برقرار شد و نامه‌ها مبادله گردید.»

استاد شهید مطهری در ادامه می‌فرماید:

«معظم له را نباید گفت نسبت به این مسئله علاقه‌مند بود، بلکه باید گفت: عاشق و دلباخته این موضوع بود مرغ دلش برای این موضوع پر می‌زد. عجیب این است که از دو

منبع موثق شنیدم که: زمانی که آیه‌الله بروجردی (ره) کسالت داشتند و آقای شیخ محمدتقی نماینده ایشان هم در مصر بودند و روابط ایران و مصر هم به خاطر اختلافات شاه ایران و جمال عبدالناصر قطع بود و ایشان در حالت بیماری و حمله قلبی قرار داشتند و وضع حال ایشان به گونه‌ای بود که گاهی از هوش می‌رفتند و باز به هوش می‌آمدند، پس از حمله قلبی اول وقتی به هوش آمده بودند، قبل از آنکه به حال خود توجهی کنند و در این موضوع حرفی بزنند، موضوع تقریب و وحدت اسلامی را مطرح می‌کنند و می‌گویند: من آرزوها در این زمینه داشتم، وقتی شیخ محمدتقی به ایران آمد به او بگویند: پیغام مرا به شیخ شلتوت برساند و بین ایران و مصر را اصلاح کند. می‌ترسم زحمات چندین ساله‌ام از بین برود.»

استراتژی و شیوه آیه‌الله بروجردی برای ایجاد وحدت اسلامی و حمایت از دارالتقریب حاوی سه عنصر اساسی بود.

عنصر اول، تمرکز بر هویت فقهی مذاهب: مذاهب یک هویت فقهی دارند و یک هویت کلامی، مرحوم آیه‌الله بروجردی در تعامل با اهل سنت، آگاهانه و عامدانه هویت کلامی مذاهب را مورد توجه و برجسته‌سازی قرار ندادند بلکه هویت فقهی مذاهب را مورد توجه و برجسته‌سازی قرار دادند. اتفاقاً در همان زمان اهل سنت هم رفته بودند دنبال برجسته‌سازی هویت فقهی و دارالتقریب و جماعة‌التقریب را بر همین اساس بنیاد نهادند. چون هویت فقهی مذاهب یک بستر مستعد و آماده برای تقریب است برخلاف مباحث کلامی که ممکن است به اختلافات کشده شود. علت اینکه مرحوم آیه‌الله بروجردی بیشتر بر هویت فقهی، انگشت می‌گزارد نه هویت کلامی، این بود که: ایشان در استنباط‌های خود همواره نگاه تاریخی داشتند. دیدگاه‌های ایشان در زمینه اجماع، حدیث، کتب شیعی و فقهی، نگاه تاریخی است.

عنصر دوم، طرح بحث وحدت اسلامی از منظر مرجعیت علمی: اهل بیت علیهم‌السلام سه مرجعیت و درجه دارند، ۱. درجه امامت و خلافت بلافصل که دارای مقام عصمت و هدایت می‌باشند. ۲. مرجعیت و درجه علمی ۳. مقام محبت، ارادت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام. آنچه که بعد از ارتحال پیامبر اکرم (ص) رخ داد، این بود که امامت و خلافت ظاهری قربانی حب جاه و دنیاخواهی یک عده شد و غصب گردید ولی مرجعیت علمی اهل‌البیت

کماکان باقی است. به همین دلیل حضرت آیه الله بروجردی، برای مرجعیت علمی ائمه اطهار علیهم السلام که مورد وفاق عمومی مسلمانان است، حساب ویژه‌ای باز کردند زیرا مشکل تاریخی نداشت و کاملاً قابل اثبات بود. به همین دلیل در زمان حیات ایشان سلسله اسناد روایت ثقلین را به دارالتقرب فرستادند و آنها هم استقبال کردند؛ چون ادبیات، ادبیات مرجعیت علمی بود که مورد وفاق اهل سنت نیز بود.

عنصر سوم، تقویت احساس برادری و دوری از برانگیختگی مذهبی بود: آیه الله بروجردی باب مکاتبات را گشودند، به دارالتقرب نماینده اعزام کردند، حاج شیخ محمد تقی قمی (ره) نماینده دائم ایشان در دارالتقرب بودند. با این وجود نمایندگان موقت و متغیری نیز داشتند که گاهی به مصر و دارالتقرب می فرستادند مانند آیت الله طالقانی (ره).

کمک مالی ایشان به دارالتقرب نیز چشمگیر بود. و این امر اهتمام جدی ایشان به مسئله تقرب را تبیین می کند.

مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین نیز در تقابل با تفرقه مذهبی کارهای مهمی انجام دادند.

کارهای ایشان برای ایجاد وحدت اسلامی را در چند مورد می توان فهرست کرد:

۱. کوشش و اهتمام در تشکیل امت واحده اسلامی

۲. بردن مباحث اختلافی به دایره گفت و گوهای علمی فعال و مباشر

۳. شفافیت در مواضع

۴. صداقت در برخورد

۵. دمیدن روح اخوت و برادری به جامعه اسلامی

### استراتژی امام راحل (ره) در تقابل با تفرقه

امام خمینی پیامدهای تفرقه را به خوبی شناخته بود و می دانست که تفرقه در میان امت اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی، تأثیرات منفی بسیاری بر جای گذاشته است. اجانب بر مسلمین سیطره یافته و جوامع اسلامی تحت سلطه استعمار فروپاشیده اند، مسلمانان شخصیت و شرافت انسانی خود را از دست داده و در همه ابعاد

عقب مانده‌اند. بنابراین استقلال و آزادی و عظمت خود را از کف داده و به شرق و غرب وابسته شده‌اند، با توجه به این شرایط ننگین است که امام ضرورت وحدت را شدیداً لمس و احساس می‌کند و برای اصلاح جامعه بشری قیام می‌نماید تا با ایجاد همبستگی اسلامی و بالاتر از آن بین مستضعفین جهان از دخالت ابرقدرتها در مقدرات کشورهای اسلامی جلوگیری نموده و آنان را به سر منزل پیروزی رهنمون گردد.

امام استقلال و آزادی و عدالت را لازمه و زمینه‌ساز وحدت تلقی می‌کرد و از امکاناتی همچون مسأله فلسطین، مناسک حج، مراسم برائت از مشرکین...، برای ایجاد وحدت بهره‌گیری می‌کرد و با انگیزه دفاع از کیان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، انسان‌سازی، کسب استقلال و آزادی و شرافت برای همه انسانها و مسلمانان، گسترش عدل الهی و اسلامی در جهان و جلوگیری از اختلاف و تفرقه، ایده وحدت طلبانه خویش را ابراز نمود.

امام دامنه و دایره شمول وحدت را بسیار وسیع و فراگیر می‌دانست به طوری که همه انسانها، مستضعفین عالم، مسلمانان جهان، همه مذاهب اسلامی و حتی دیگر ادیان الهی را در برمی‌گرفت و اهداف گوناگونی را در جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی، پیگیری می‌کرد که در دو سطح داخلی و خارجی و برنامه زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت قابل تقسیم‌بندی است.

وحدت اسلامی مورد نظر امام راحل (ره)، ثمرات فراوانی برای مسلمین به بار آورده یکی از مهمترین ثمرات آن، رسیدن تشیع و تسنن به مدلی از تعامل جدید در سایه انقلاب اسلامی است در آینده نیز ثمرات شیرینی پدید خواهد آورد که پدیده انقلاب اسلامی ایران، جنبشهای آزادی‌بخش اسلامی و دیگر ملل مستضعف، هراس استکبار جهانی از مسلمین و سیادت و آقایی مسلمانان از آن جمله است. بنابراین آرمان وحدت امام خمینی قدس سره الشریف موجب پیروزی و رمز بقاء امت اسلامی است.

### استراتژی مقام معظم رهبری در تقابل با تفرقه

معظم له در دیدار هم‌اندیشی علمای شیعه و اهل تسنن فرمودند:

مانه فقط، بعد از دوران انقلاب، بلکه از سالها پیش از انقلاب برای اینکه دل‌های شیعه و سنی به هم نزدیک شود و اهمیت این وحدت برای همه معلوم شود، تلاش می‌کردیم. من زمانی که

در بلوچستان - سالهای قبل از انقلاب - تبعید بودم برای بعضی از علماء اهل سنت پیغام فرستادم که بیایید بنشینیم و مبنای یک اتحاد عملی حقیقی و قلبی بین اهل سنت و شیعه را به وجود آوریم.

اختلاف بین فرق شیعه و سنی در طول زمان وجود داشته است و یک امر طبیعی است. کما اینکه بین فرق فقهی و اصولی اهل تسنن و تشیع از اینگونه اختلافات هست. این اختلافات وقتی به سطوح پایین یعنی مردم عامی می‌رسد، به جای خطرناکی می‌رسد. دست‌به‌گریبان می‌شوند، علما می‌نشینند با هم بحث می‌کنند لکن وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح مادی و از احساسات استفاده می‌کنند که این خطرناک است.

علما و زیدگان، تلاششان این بوده است که نگذارند سطوح غیر علمی کارشان به درگیری برسد، لیکن از یک دوره‌ای به این طرف، یک عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن استعمار بود که وقتی وارد شد از بعضی جهالتهای، تعصبها، کج فهمیها و احساسات، حداکثر استفاده را کرد. لذا برجستگان مبارزه‌ی با استعمار و استکبار، روی مسئله‌ی «وحدت امت اسلامی» تکیه مضاعف کرده‌اند. سید جمال الدین اسدآبادی رضوان الله تعالی علیه و شاگرد او شیخ محمد عبده و دیگران از علمای شیعه، مرحوم شرف الدین عاملی و... تلاش کردند تا نگذارند این اختلافات مذهبی به حربۀ علیه دنیای اسلام تبدیل شود. امام بزرگوار ما از اول بر قضیه وحدت اسلامی اصرار می‌کرد.

انگلیسی‌ها از بقیه دشمنان استعماری، متبحرترند، در ایران، ترکیه و کشورهای عربی و در شبه قاره‌ی هند، سالها زندگی کرده‌اند و با رموز کار آشنا هستند که چگونه می‌شود سنی را علیه شیعه تحریک کرد و چگونه می‌شود شیعه را علیه سنی تحریک کرد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این حرکت استعماری شدت گرفت زیرا جمهوری اسلامی توانست به یک قله‌ی بزرگی برسد و آن عبارت بود از «بیداری دنیای اسلام»؛ از این روانگیزه و داعی اختلاف افکنان و جبهه استکبار برای ایجاد اختلاف، شدیدتر و قویتر شد. لذا همه کاری می‌کنند.

در عراق، پاکستان، افغانستان، لبنان می‌خواهند بین شیعه و سنی اختلاف بیندازند. ما باید بیدار باشیم، بخصوص علما باید خود را مسئول بدانند که دشمن از این نقطه‌ی ضعفی که در دنیای اسلام وجود دارد، نتواند استفاده کند.

مسئله این نیست که شیعه یا سنی، عقاید یکدیگر را قبول کنند، نه هر کسی عقیده‌ی خودش را دارد مسئله این است که اصحاب عقاید مختلف، بایستی به وسوسه‌ی دشمن گوش نکنند، به جان هم نیفتند، با هم دشمنی نکنند. آن کسانی که بدون فهم حقیقت، بدون تفوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می‌دانند و تکفیر می‌کنند، مناسب‌ترین صفت برای آنان نادانی است. اگر چه در آنها خباثت هم هست. تا آنجا که ممکن است باید آنها را ارشاد کنیم، مردم را از اینها بترسانیم که بخاطر ضعف معرفت، مجذوب این حرفه‌های دشمنان نشوند. وظیفه‌ی علما، وظیفه‌ی سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اغلاست که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلام دست پیدا کند، دولت‌ها هم باید نهایت کمک را به اتحاد و یگانگی و همدلی بکنند. این امت اسلامی اگر وزن واقعی خود را پیدا کند، پشتیبان این دولت‌ها خواهد بود و دولت‌های اسلامی دیگر مجبور نخواهند شد به خاطر ضعف و ترسشان به دامن آمریکا یا انگلیس پناه ببرند چون امت اسلامی پشت سر آنهاست.

مقام معظم رهبری بخاطر اهتمام ویژه به وحدت اسلامی، مجمع تقریب بین المذاهب اسلامی را تأسیس نمودند که بحث پیرامون آن و آثار و فواید مثبت آن در جهت اتحاد اسلامی، مقاله نرصت و مقاله مستقل دیگری را می‌طلبید.

### استراتژی شیعه در مواجهه با تفرقه مذهبی

۱. پرچم داری و هدایت مسئله تقریب به شکلی قوی و منسجم: ما تقریب در افکار و اندیشه‌ها و وحدت در موضع‌گیری عملی را باید توسعه و عمق ببخشیم که رهنمودهای امام راحل قدس سره الشریف و مقام معظم رهبری دام ظلّه مشعل فروزان راه ماست.

۲. شبهات را با صراحت و شفافیت توضیح دهیم که ریشه بسیاری از موضع‌گیری‌های تند و افراطی در طرفداران هر یک از فرقه و مذاهب، عدم علم و اطلاع کافی از عقاید یکدیگر است.

۳. عدول از موارد فتنه‌انگیز و اهتمام ویژه به مصالح عالیّه جهان اسلام

۴. تعدیل مواضع سیاسی در جهت کمک به حرکت تقریب و تلاش برای رسیدن به وحدت سیاسی همانطور که مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی به آن اهتمام داشت.

۵. تمرکز بر هویت فقهی نه مناقشات کلامی، همانطور که حضرت آیه الله بروجردی به آن اهتمام داشت.

۶. طرح مباحث کلامی فقط در گفتگوهای علمی و عدم سرایت آن بین عوام که موجب تفرقه و فتنه شود.

۷. فعال کردن عناوین ثانویه در فقه که خیلی پر ظرفیت است.

۸. تقویت احساس برادری در بین مسلمانان و دوری از برانگیختگی مذهبی. همانطور که سیره عملی حضرات ائمه اطهار علیهم السلام، امام راحل قدس سره الشریف و مقام معظم رهبری دام ظلّه است.

۹. خدمت صادقانه در حد بذل جان در راه عزت اسلامی و خدمت به مسلمانان ولو اینکه اکثریت آنان را اهل سنت تشکیل داده باشد.

۱۰. تشکیل مدیریت استراتژیک و راهبردی برای هدایت و اجرای حرکت تقریب.

۱۱. فعال ساختن حوزه‌های علمیه در حرکت تقریب حوزه باید نقش فعال خود را در سه محور ایفا کند:

### استراتژی حوزه‌های علمیه در تقابل با تفرقه مذهبی

۱. هدایت فرایند تدوین استراتژی تقریب، شناسایی و تدوین باورها، هنجارها و ارزشها، فلسفه تقریب، مبانی تقریب، تعریف شیعه، چگونگی حضور شیعه بعنوان یک مذهب در چارچوب تقریب و...

۲. جایگاه رفیع و محوری حوزه در متن تدوین شده باید لحاظ شود.

۳. نظارت بر حسن اجرای استراتژی: در اینجا دو نوع حضور باید داشته باشد:

۱. حضور فعال، متوقع و مصرح در استراتژی تدوین شده را باید داشته باشد. مراکز پژوهشی، آموزشی، معتمرات، سمینارها و همایش‌های داخلی و خارجی در همین راستا ایفای نقش می‌کنند.

۲. تعیین کمیته نظارت بر حفظ خط قرمزهای وحدت و اجرای وحدت. حوزه می‌تواند از چند نهاد مرتبط با خودش، کمیته‌ای را تشکیل دهد تا یک موضع یکدست و مصرحی را نسبت به مسئله وحدت امت اسلامی داشته باشد.

۴. تدوین فقه وحدت، وحدت یک تعامل است، فقه باید پاسخ دهد آیا وحدت واجب است یا حرام، مستحب است یا مکروه، قلمرو آن تا کجاست، اگر وحدت در یک وضعی قرار گرفت که عنوان ثانوی پیدا کرد، این عنوان ثانوی در چه مواردی است؟ نمی‌شود ما یک امر کلان تعامل با اهل سنت را با این همه نتایج که برای جهان اسلام و شیعه دارد به حال خود رها کنیم و هر کجا ابهام پیش آمد به رفع آن پردازیم.

## منابع و مأخذ

- همبستگی مذاهب اسلامی، بحث‌های علمی و اصلاحی بیست تن از پیشوایان تشیع و تسنن، ترجمه دکتر بی‌آزار شیرازی ۷ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- وحدت مسلمین، نگرشی به مقالات کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعت، الهادی، قم، بی‌تا
- همایش استراتژی شیعه در مواجهه با تفرقه مذهبی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۵
- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، جلد ۲۰، صدری، تهران، ۱۳۸۰.
- روح الله حسینیان، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۴۰ - ۱۳۲۰)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران
- سید رضا حسینی نسب، در طریق وحدت اسلامی، دبیرخانه دائمی کنگره جهانی بررسی قداست و امنیت حرم، بی‌جا، بی‌تا
- مجموعه سخنرانی‌های کنفرانس وحدت اسلامی (۷۴ - ۱۳۶۸)، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴
- تبیان، وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۶
- فصل نامه علوم سیاست، شماره ۱۲
- مجله حضور، شماره ۳۴
- روزنامه جمهوری اسلامی یکم شهریور ماه، ۱۳۸۵

## پی‌نوشتها

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۵.